

# بررسی مسئولیت‌پذیری اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و تأثیر آن بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان در حوزه جغرافیایی شهر اهواز مهران کریمیان

دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی سیاسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

مهدی ادیبی سده\*

استادیار، گروه جامعه‌شناسی سیاسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

نبی اله ایدر

استادیار، گروه جامعه‌شناسی سیاسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹

## چکیده

هدف از تحقیق حاضر بررسی مسئولیت‌پذیری اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و تأثیر آن بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان در اهواز می‌باشد. فرضیات براساس چارچوب نظری تدوین شده‌اند. روش تحقیق پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری مورد مطالعه تمام شهروندان زن و مرد بالای ۲۵ سال ساکن شهر اهواز می‌باشد. آخرین سرشماری انجام گرفته در سال ۱۳۹۵ شهر اهواز نشان می‌دهد که این شهر جمعیتی معادل ۸۷۶۰۰۰ نفر برآورد می‌شود. از این تعداد ۳۸۴ نفر بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران به منزله نمونه انتخاب می‌شود. روش نمونه‌گیری در این تحقیق خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته است. فرضیات بوسیله نرم افزار مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد، که بین میزان مسئولیت‌پذیری فردی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مسئولیت‌پذیری فرهنگی، مسئولیت‌پذیری اقتصادی بر میزان مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

**کلیدواژه‌گان: مسئولیت‌پذیری اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مشارکت سیاسی**

## مقدمه

در روند تحول در الگوهای زندگی، پدیده «مشارکت سیاسی» به معنای «فرصت‌های پرداختن شمار زیادی از شهروندان به امور سیاسی» (آبرامسون، ۱۳۹۳: ۱۲۴۱) و به عنوان نقطه تلاقی ساختار فرهنگی و سیاسی در هر جامعه‌ای است. در حقیقت اندیشه مشارکت سیاسی عبارت است به درگیر شدن توده‌های مردم در فعالیت سیاسی و تعیین سرنوشت خود و تنها از این رهگذر است که زمینه‌های ثبات و پایداری نظام سیاسی تحقق می‌یابد. مشارکت سیاسی می‌تواند در دو سطح توده (مانند شرکت در انتخابات، عضویت در احزاب و انجمن‌ها و تجربه‌های اجتماعی) و نخبگان (حضور در مجلس، قوه مجریه و داشتن مناصب عالی (کازمی پور، ۱۳۹۳: ۲۱۷) معنا یابد؛ ولی در هر صورت، در بین اقشار مختلف جامعه اعم از زن و مرد همواره مطرح بوده است. هر جامعه‌ای برای تحقق اهداف توسعه‌گرایانه، بایستی از تمامی منابع انسانی خود بهره گیرد. زنان هر جامعه، نیروی محوری و بنیادی محسوب می‌شوند که اشتغال و فعالیت آنان دوشادوش مردان به عنوان بخشی از جمعیت فعال جامعه، تأثیر فراوانی در رشد، توسعه و سازندگی جامعه دارد؛ ولی هنگامی که حضور زنان در فرآیند مشارکت سیاسی به گونه‌ای است که همانند رأی‌دهندگان سربه راه، تنها در روز رأی‌گیری پای صندوق‌ها حضور پیدا می‌کنند (حافظیان، ۱۳۹۱) این امر، سبب ایجاد یک بحران یا آسیب اجتماعی در جامعه می‌گردد.

در برنامه‌های توسعه و نوسازی ایران توجه زیادی به مشارکت شهروندان و ایجاد سازوکارهایی جهت واگذاری برخی اختیارات و تصمیم‌گیری‌ها و اجرای آن‌ها توسط مردم نشده است. همچنین بی‌ثباتی‌ها و ناامنی اجتماعی و تسلط حوزه دولتی بر بخش خصوصی زیست جهان افراد را با مشکلات زیاد مواجه کرده و نگرش‌های فرد گرا مجال ظهور یافته است. در نتیجه آنچه اهمیت زیاد پیدا کرده حفظ حوزه خصوصی و منافع فردی است، حال آنکه اصل اساسی جوامع کنونی مشارکت مردم و حضور موثر آنان در عرصه عمومی است (منطقی، ۱۳۸۲). مشارکت مردم در امور سیاسی و اجتماعی، یکی از مباحث مهم علوم سیاسی است. این مشارکت در درجه‌ی اول از طبع اجتماعی انسان ریشه می‌گیرد. مشارکت در امور اجتماعی، نوعی تعهد و قبول مسئولیت فردی و اجتماعی است که همه‌ی افراد انسانی ناگزیر به پذیرش آن هستند. این تعهد و مسئولیت ممکن است یا در قالب فعالیت‌های معین صورت گیرد، مانند بسیاری از رفتارهای اخلاقی و اجتماعی، و یا ساختار حقوقی و اقتصادی به خود بگیرد. یکی از بارزترین نمونه‌های مشارکت مردمی، مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی است که کمک فراوانی به حفظ وحدت و همبستگی ملی می‌کند.

چگونگی ایجاد توسعه و پیشرفت، یکی از سوال‌های اساسی و مهم در ایجاد دگرگونی و تحول تکاملی جوامع بوده و در این راستا همواره بر نقش افراد جامعه در جهت نیل به این هدف تأکید شده است. افراد هر جامعه پیچ و مهره‌های ماشین اجتماع اند که اگر هر کدام در چارچوب خود و بر اساس نقش محول یا محقق کار کنند، چرخ جامعه به بهترین شکل می‌گردد. از مهمترین ویژگی‌های افراد یک جامعه، که به ارتقای آن جامعه کمک می‌کند مسئولیت‌پذیری و مشارکت اعضای آن است. انسان به عنوان یک موجود اجتماعی باید برای حفظ تعلق خود به جامعه، با توجه به پیامدهای اعمال و رفتار خود تکالیف مربوط به نقش‌های اجتماعی خویش را به گونه‌ای انجام دهد تا زندگی ثمر

بخشی را برای خود و دیگران به همراه داشته باشد. مسئولیت پذیری و مشارکت افراد در هر جامعه، یکی از ارزش های آن جامعه و از شاخص های مهم توسعه جامعه محسوب می شود. (رمضانی و دیسفانی، ۱۳۸۰)

مسئولیت پذیری هماهنگی با قوانین اجتماعی و برآورده ساختن انتظاراتی است که جامعه از فرد دارد. تحقیقات انجام شده نشان می دهد که رعایت مسئولیت پذیری و مشارکت افراد در هر جامعه موجب تنظیم روابط اجتماعی و انسانی و افزایش همدلی می شود (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۶) با تقویت مسئولیت پذیری افراد، می توان بسیاری از انحرافات اجتماعی مانند بزهکاری، جرائم و مشکلات رفتاری در جامعه را کاهش داد. (لیونز، ۲۰۰۵، حریری، ۱۳۹۶). سوال اصلی پژوهش اینست که آیا مسئولیت پذیری اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان در اهواز موثر است؟

مسئولیت پذیری و مشارکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عامل مهمی در تقویت همبستگی شهروندان در شبکه های اجتماعی است. حضور افراد در فعالیت ها و تصمیم گیری های سیاسی و اجتماعی در بلند مدت موجب تعمیق روابط بین اعضای جامعه، افزایش احساس یگانگی، سعه صدر، تسامح و تساهل گردیده و در نتیجه به توسعه نهاد های مدنی و دموکراتیک خواهد انجامید. بی تردید یکی از مهمترین و موثرترین عوامل برقراری وفاق، اقتدار و ارتقاء ضریب امنیت در جامعه، مشارکت و مسئولیت پذیری افراد جامعه است. بی تردید مسئولیت پذیری و مشارکت مردم به مثابه موثرترین و مناسب ترین پشتوانه جهت حل و فصل معضلات و بحران های سیاسی - اجتماعی و امنیتی است و هر دولتی که بتواند جلوه های بیشتری از همکاری و همدلی توده های مردمی را در ابعاد مختلف سیاسی اجتماعی داشته باشد موفق تر خواهد بود. (شعبانی، ۱۳۸۰) افزایش مسئولیت پذیری و نقش آن در مشارکت سیاسی و تحلیل جامعه شناختی آن یکی از مسائل مهمی است که نیاز است در شهر اهواز مورد بررسی علمی قرار گیرد. مسئولیت پذیری در بعد شخصی زمینه ساز مسئولیت پذیری اجتماعی است و مسئولیت پذیری اجتماعی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی و سیاسی زیادی را در پی خواهد داشت که یکی از مهمترین آنها دیگر خواهی در روابط اجتماعی است. (سروش، ۱۳۹۱) تحقیقات انجام شده نشان می دهد که افراد هر چه بیشتر خود را مسئول بدانند، به مسائل و پیامدهای اعمال خود بیشتر توجه کرده، آنها را جدی تر می گیرند و برای حل آنها بیشتر می کوشند. (منزیس و همکاران، ۲۰۰۰). اهمیت و ضرورت مقوله «مسئولیت پذیری» و «مشارکت» در زندگی انسان تا آن حد است که در اصول بیش تر مکاتب فلسفی، از آن یاد شده و همین مسئله است که ضرورت انجام پژوهش هایی از این دست را به پژوهشگران گوشزد می کند. شاید بتوان گفت آنچه به نوعی در افزایش مشارکت شهروندان موثر است داشتن پیوندهای گروهی مختلف، اتصال به جامعه بزرگتر و احساس مسئولیت نسبت به جامعه می باشد که به نوبه خود باعث ایجاد علاقه، تعلق و تعهد نسبت به جنبه های مختلف حیات جمعی و مشارکت بیشتر افراد در امور جامعه می گردد. (نوذری، ۱۳۸۱)

## تعریف مفاهیم

### ۱) تعریف مسئولیت پذیری

الف) تعریف مفهومی: مرگلو و همکاران (۲۰۰۷) مسئولیت پذیری را توانایی نظم دادن به تفکرات، احساسات و رفتار، همراه با اراده برای در نظر گرفتن خود به عنوان مسئول انتخابهایی که انجام می دهند و پیامدهای فردی و اجتماعی آنها.

ب) تعریف عملیاتی: طالب زاده و همکاران (۱۳۸۷) در تعریف عملیاتی خود از مسولیت پذیری آنرا شامل مواردی همچون مراقبت از خود و محیط، پذیرش نتیجه عمل، رعایت مقررات، انجام تکالیف و وظیفه محوله می‌دانند از نظر آنها مهارت مسولیت پذیری مستلزم همکاری با افراد است و این همکاری زمانی موفقیت آمیز است که در آن همدلی وجود داشته باشد

۲) تعریف مسولیت پذیری فردی:

الف) تعریف مفهومی: مرگلر (۲۰۰۷) مسولیت پذیری فردی به این معناست که فرد خود را نسبت به خود و موقعیتی که در آن قرار گرفته و همچنین نیازها و بهروزی دیگران مسئول بداند.

ب) تعریف عملیاتی: تعدادی گویه برای جمع آوری داده جهت سنجش این مولفه تدوین گردیده است

۳) تعریف مسولیت پذیری اجتماعی

الف) تعریف مفهومی: نوعی احساس التزام به عمل یا واکنش فردی در موقعیت های گوناگون به دلیل تقید به دیگران است. نوعی احساس تعهد و پابندی به دیگران، تبعیت از قواعد و معیارهای اجتماعی و درک قواعد گروهی که در ذهن فرد شکل گرفته است و بر رفتارهای او اثر می‌گذارد (سبحان نژاد، ۱۳۷۹).

ب) تعریف عملیاتی: تعدادی گویه برای جمع آوری داده جهت سنجش این مولفه تدوین گردیده است.

۴) مشارکت سیاسی

تعریف مفهومی: لستر میل براث، مشارکت سیاسی را مجموعه ای از فعالیت ها و اعمال شهروندان برای اعمال نفوذ بر حکومت و حمایت از نظام سیاسی می‌داند. در این تعریف، حیطه عمل مردم در امر مشارکت سیاسی شامل: اعمال فشار، رقابت و تاثیر گذاری از یک سو و حمایت و پشتیبانی از سوی دیگر است (وثوقی، ۱۳۸۳).

تعریف عملیاتی: منظور از مشارکت سیاسی هرگونه عمل آزادی و آگاهانه افراد، در جهت تاثیر گذاری بر سیاست های عمومی جامعه نظیر: فعالیت در انتخابات، اعمال نفوذ، فعالیت های سازمانی و عضویت در گروه ها و احزاب، ایجاد رابطه فردی با مقامات قدرتمند، شرکت در مراسم، مجالس و راهپیمایی های سیاسی می باشد.

### ویژگی های مشارکت

۱) مشارکت مشروط به برابری انسان ها و منوط به آزادی آنهاست. در یک نظام مشارکتی فرض بر این است که مردم باید فرصت مناسب برای تأثیر گذاری بر سیاست ها و به دست آوردن مشاغل عمومی را داشته باشند و دولت نیز باید امکان رقابت را بر اساس شایستگی افراد مهیا کند. ۲) مشارکت حق مردم است و بیش از هر چیز نیازمند اقدام آگاهانه آنهاست. مشارکت امری تحمیلی دعوتی نیست بلکه نوعی توان بخشی به گروه های ضعیف توأم با مشکلات خود نقش داشته باشند، چنین مشکلاتی نه فرمایشی است و نه وضع کردنی بلکه باید آن را به دست آورد، یعنی امتیازی نیست که حکومت به اتباع خویش می دهد. بلکه حقی است که باید از آن استفاده کند. ۳) مشارکت فعالیتی کمی و کیفی و دارای درجاتی است. لذا گسترده و ژرفای آن متغیر و در عین حال مهم می باشد، وسعت مشارکت بدون عمق کافی آن را سطحی و آسیب پذیر می گرداند و عمق بدون وسعت مشارکت نمی شود. ۴) مشارکت دارای پیامدهای دو سویه است و چنانچه بنا باشد مؤثر واقع گردد، مستلزم تغییراتی بنیانی در اندیشه و عمل است که باید از درون

جامعه بجوشد و در قالب های پایدار و مقبول جامعه و دولت تبلور یابد. ایده های مربوط به مشارکت یک نقطه مشترک دارد و آن اهمیت دادن به نقش و نظر مردم در تصمیم گیریهای سیاسی و دسترسی آنان به منافع قدرت است.

## حقوق شهری و شهروندی

### تعریف «حقوق شهروندی»

«حقوق شهروندی» مجموعه حقوقی است برای اتباع کشور در رابطه با مؤسسات عمومی مانند: حقوق اساسی، حق استخدام شدن، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داوری و مصدق واقع شدن؛ بنابراین واژه مذکور از حقوق سیاسی است. در عصر حاضر، «شهروندی» به عنوان یک پدیده اجتماعی، یکی از ضروریات زندگی محسوب می شود. شهروندان عموماً با سلاقی و انگیزه های مختلف در جامعه شهری به فعالیت می پردازند. عده ای برای کسب و کار، گروهی برای پر کردن اوقات فراغت و گروهی دیگر برای آموختن مهارت های فردی و جمعی و ... از این رو، زندگی اجتماعی مستلزم وجود روابط حقوقی بین افراد و گروه های مختلف جامعه می باشد و این روابط اجتماعی می بایست تحت نظم و قاعده ای درآید. چه آنکه، در صورت عدم وجود نظم و ضوابط در جامعه، زور، اجحاف و تزویر بر روابط بین افراد حاکم شده و این موضوع موجب ایجاد هرج و مرج و نابسامانی خواهد شد. فلذا، دولت ها و نهادهای عمومی با تعیین و تدوین قواعد و مقررات مربوطه، سیاست خاصی را در جهت تنظیم این روابط در پیش گرفته اند. اصولاً «حقوق شهروندی» را می توان مجموعه قواعدی که بر روابط اشخاص در جامعه شهری حکومت می کند تعریف نمود. از این رو، «حقوق شهری» که موضوع آن چگونگی روابط مردم شهر، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و همچنین در برابر جامعه و اصول و هدف ما و وظایف و روش انجام آن است را می توان به عنوان اصولی بدانیم که منشعب از حقوق اساسی کشور است. اصلی ترین بحث در حیطه حقوق شهری، آشنایی شهروندان با قوانین و مقررات مورد عمل و جاری است. قانون اساسی مهمترین قانونی که اصول اساسی حقوق یک دولت در آن تبیین شده است و تشکیلات و روابط بین قوای مختلف و قدرت های عمومی و ... را بیان می نماید، متضمن قواعد کلی در خصوص جنبه های حمایتی و پیگیرانه از حقوق شهروندی است. همچنین قوانین و مقرراتی که توسط قوه مقننه وضع و به تصویب می رسد منجمله قانون مدنی، تجارت، مجازات اسلامی، کار، بیمه و بالاخره مقررات، آیین نامه ها، بخشنامه ها و حتی تصمیمات قضایی که شهر، شهروندی و شهروندان را به نحوی تحت تأثیر قرار می دهند، دایره مدار و قوام بخش «محیط حقوقی» در جامعه شهری می باشند.

### حقوق شهروندی

حقوق شهروندی آمیخته ای از وظایف و مسئولیت های افراد اجتماع در قبال یکدیگر و دولت و شهر و اجتماع میباشد. حقوق شهروندی یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار در توسعه و رفاه اجتماع است و دلالت بر مجموعه ای از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی دارد که افراد به سبب عضویت در یک دولت و ملت از آن برخوردار می شوند و توسط قانون از آن حقوق پاسداری و حمایت می گردد. سابقه برخورداری شهروندان از این حقوق به ظهور ملت های مدرن بازمی گردد اما تدوین آن توسط اندیشمندان سیاسی و حقوقی و ورود آن در قوانین ملت ها سابقه کمتری داشته و عمدتاً به دهه های اخیر مربوط می شود و جامعه بشری به تعریف جدیدی از انسان و جامعه پرداخت. انسان دارائتوانایی هایی از جمله از جمله اداره امور شخصی و اجتماعی را دارد. به نظر می رسد شکل گیری و نهادینه شدن

توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در وهله اول مستلزم توجه‌جدی به حقوق شهروندی می باشد حقوق شهروندی دارای چهار حوزه اساسی ذکر شده می باشد که همه این حوزه‌ها در تعامل باهم هستند و توجه به حقوق شهروندان از زوایای مختلف محل توجه بساری از دولت مردان محافل جهانی است. حق تعیین سرنوشت عنصر بنیادین شهروندی است که از طریق مشارکت در امور جمعی تحقق پیدا می کند. بر ایناساس لازم است مکانیسم های مشارکتی مغلوب شهروندی برای تحقق توسعه شهری ارائه گردد تا به شکل گیر فرهنگ سیاسی موافق و هم جهت با حقوق شهروندی برسد. شهروندی مجموعه‌ی گسترده‌ای از فعالیت‌های فردی و اجتماعی است. فعالیت‌هایی که اگرچه فردی باشند اما برآیند آن، به پیشرفت وضعیت اجتماعی کمک خواهد کرد. شهروندی، از جمله مفاهیم نو پدید می آید است که به طور ویژه‌ای به برابری و عدالت توجه دارد و در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. مقوله «شهروندی» وقتی تحقق می‌یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت‌های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. ضمن اینکه شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه‌های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند، و شناخت این حقوق و تکالیف نقش مؤثری در ارتقای شهروندی و ایجاد جامعه‌ای بر اساس نظم و عدالت دارد. بر این اساس آموزش حقوق شهروندی، همانا نهادینه سازی نظامی از حق ها و تکالیف‌های متناسب با شهروندی مبتنی بر کرامت و ارزش والای انسانی است.

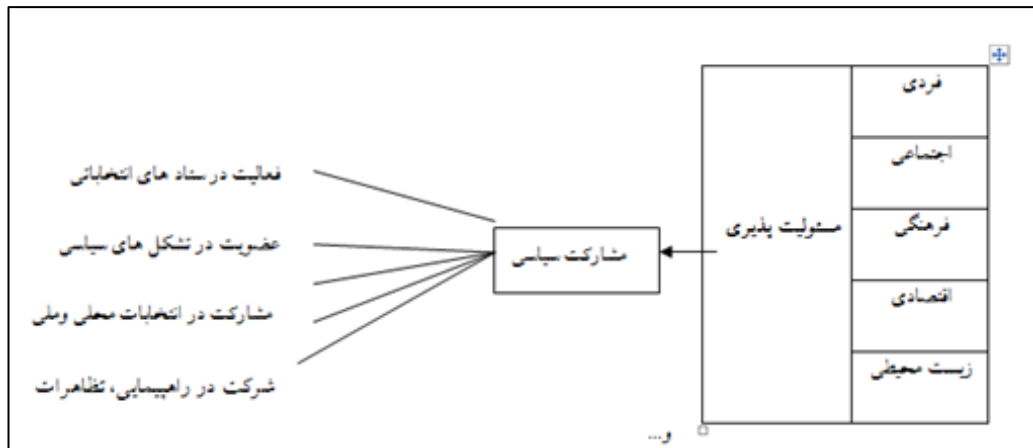
### مسئولیت پذیری

مسئولیت پذیری، یکی از ابعاد شخصیت سالم و ویژگی بسیار مهمی در کلاس درس و زندگی روزمره است و والدین، مشاوران و معلمان، نقش مهمی برای کمک به دانش آموزان در کسب مسئولیت پذیری مدرسه، خانواده و اجتماع بر عهده دارند. برای ایجاد حس مسئولیت پذیری، روش ها و راهکار هایی تدوین شده است که معلم می تواند آن ها را در کلاس خود اجرا نماید (حسین پور، درویشی و سودانی، ۱۳۸۹). مسئولیت‌پذیری یعنی قابلیت پذیرش پاسخ‌گویی و به عهده گرفتن کاری که از کسی درخواست می‌شود و شخص حق دارد که آن را بپذیرد و یا رد کند. مسئولیت با وظیفه تفاوت دارد، وظیفه کاری است که یک نفر به دیگری محول می‌کند و باید حتما انجام بگیرد. در واقع مسئولیت انتخابی آگاهانه است. کودکی که از ابتدا امکان استقلال به او داده شده باشد، آمادگی بیش تری برای پذیرفتن مسئولیت خواهد داشت. مسئولیت‌پذیری بخشی از رشد شخصیت کودک است. کودک از سن دو تا سه سالگی نیاز دیگران و اهمیت دادن به آن و نیز انتظارات دیگران از خویش را درک می‌کند و این روند، حس مسئولیت‌پذیری را در او ایجاد می‌کند. پدر و مادر باید الگوی این مسئولیت‌پذیری را به او بیاموزند، زیرا اگر پروسه‌ی مسئولیت‌پذیری به درستی در تربیت فرد شکل نگیرد، بعد از هجده سالگی، زمانی که شخصیت فرد شکل گرفت، دیگر نمی‌توان او را تغییر داد، در این صورت یا باید خانواده خود را با او وفق بدهد یا او را مجبور کند که با محیط خانواده سازگار شود و اگر این شخص نتواند خود را با خانواده هماهنگ کند بهتر است از خانواده جدا شود و زندگی مستقلی برای خویش تدارک ببیند (احمدی و رضانی، ۱۳۹۶).

### چارچوب نظری

هانتینگتون و نلسون، (۱۹۷۶) مشارکت سیاسی را یکی از مهمترین شاخص های توسعه سیاسی قلمداد می کنند و مشارکت سیاسی را تابع دو عامل نگرش ها و اولویت های نخبگان سیاسی، و وضعیت گروه ها و نهاد های اجتماعی واسط در جامعه می دانند و بر این باورند که فرایند مشارکت سیاسی از طریق دو مجرا شکل می گیرد الف: مجرای تحرک اجتماعی، به این معنی که کسب منزلت ها اجتماعی بالا در فرد احساس توانایی و نگرش های معطوف به اثربخشی در تصمیم سازی های نهادهای عمومی ایجاد می کند و این عوامل ذهنی زمینه مشارکت سیاسی و فعالیت اجتماعی را فراهم می سازد. در واقع منزلت اجتماعی بالا و احساس اثربخشی سیاسی به مثابه متغیر میانی مشوق مشارکت سیاسی و اجتماعی می شود. هانتینگتون و نلسون تحصیلات را به عنوان یک متغیر منزلتی قلمداد می کنند که تاثیر بر مشارکت سیاسی دارد. ب: مجرای سازمانی یعنی عضویت و مشارکت فعال در گروه ها و نهادها و سازمان های اجتماعی و سیاسی احتمال مشارکت در فعالیت های اجتماعی و سیاسی را بیشتر می کند. (هانتینگتون و نلسون، ۱۹۷۶). مایکل راش مهمترین سلسله مراتب مشارکت سیاسی داشتن مقام سیاسی، جست و جوی مقام سیاسی اداری، عضویت در سازمان سیاسی شبه سیاسی، مشارکت در اجتماعات، عضویت انفعالی در سازمان سیاسی، مشارکت در بحث های غیر سیاسی، علاقه به سیاست، رای دادن قلمداد می کند. (راش، ۱۳۹۱). میلر: در کتاب "کنش اجتماعی" از دو نوع کنش فردی و اجتماعی یاد کرده و اظهار می دارد که مسئولیت پذیری و اخلاق لازمه کنش جمعی است. وی ضمن اشاره به سه نوع مسئولیتی یعنی مسئولیت طبیعی، مسئولیت مبتنی بر نقش و مسئولیت اخلاقی، توجه به حقوق را اصلی ترین عنصر آنها می داند. به زعم میلر، عامل وابستگی افراد به یکدیگر و درگیرانها در امور گوناگون جامعه، عامل مسئولیت اجتماعی می باشد. (میلر، ۲۰۰۷).

ماکس وبر: فرد و کنش او را به عنوان واحد اساسی تحلیل خود در نظر می گرفت (آرون، ۱۳۹۶) او در این راستا از چهار نوع کنش سنتی، کنش عاطفی، کنش عقلانی معطوف به ارزش و کنش عقلانی معطوف به هدف، از نگاه وبر، مسئولیت پذیری اجتماعی را می توان به کنش عقلانی معطوف به ارزش نسبت داد. کنشی که بر اساس آن هنجار، اخلاق و نوع دوستی به عنوان یک ارزش برجسته می باشد. از این روست که ماکس وبر، مسئولیت پذیری اجتماعی را مترادف با اخلاق مسئولیت می دانست و مهمترین خصلت آن را ارادی و آزاد بودن فرد عنوان کرد. (ترنر و روجک، ۲۰۰۱). وبر بر این اعتقاد بود که با روند بروکراتیزه شدن فرآیند امور عقلانی گشتن کنش ها، روحیه مسئولیت پذیری اجتماعی که همان احساس مسئولیت نسبت به دیگران و توجه به خیر جمعی است، تضعیف می گردد. این امر ضرورت توجه بیشتر به داشتن روحیه مسئولیت پذیری اجتماعی را ایجاد می نماید. (کوزر، ۱۳۸۳). تالکوت پارسونز، تعهد و مسئولیت پذیری اجتماعی را از ویژگی های شخصیتی افراد می دانست که تحت تاثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی قرار دارد. وی مسئولیت پذیری افراد و نهادها را به منظور انتظام بخشیدن به نظام اجتماعی مهم می دید. پارسونز در کتاب نظام اجتماعی، نظم اجتماعی را به اجزاء خردتر تجزیه می کند. از نظر پارسونز، هر یک از این اجزاء در داد و ستد با اجزاء دیگر قرار دارند و در این میان ضمن رفع نیازهای یکدیگر، به رفع نیازهای کل نظام اجتماعی نیز کمک می کنند (پارسونز، ۱۹۵۱). پارسونز اظهار می دارد که در درون هر یک از خرده نظام و موقعیت ها، کنشگران در رفتار کنشگران اجتماعی در قالب این موقعیت های اجتماع جامعه ای، جایی که عرصه تعاملات و کنش های اجتماعی است، قابل بررسی است (توسلی، ۱۳۸۵ و کراب، ۱۳۸۹ و چلبی، ۱۳۸۹).



جدول ۱. خلاصه و جمع بندی نظریات ارائه شده

نظریه پرداز	نظریه
پیازه	شناختی رشد
کارل مارکس	نظریه طبقاتی - اقتصادی
مارتین لیپست	عوامل اجتماعی - اقتصادی
رابرت دال	انگیزشی
دانیل لرنر	ویژگی های فردی
رونالد اینگلهارت	سطوح ارزشی
دال	اثر بخشی سیاسی

با مروری بر دیدگاه ها و نظریه های پیشین ملاحظه گردید که موضوع مشارکت سیاسی را می توان از منظر و دیدگاه های متفاوتی نگریست. و نیز با دیدگاهها و پارادایم های متفاوتی می توان آنرا مورد بررسی قرار داد. ، لذا در تتبع پیرامون این موضوع با دیدگاههای متنوع و متفاوت و بعضا متناقضی مواجه می شویم که هر یک از آنها از منظر و نگاه حوزه تخصصی خود این موضوع را مورد بررسی قرار داده اند. با توجه به همه موارد بالا ، و اینکه جمع بندی میان همه این دیدگاههای نظری که بعضا مبنای مشترکی ندارند، کاری ناصواب است، و نمی توان به یک جمع بندی واحد و موجز رسید. مایکل راش، هم رأی با این نظر می گوید؛ دلایل فراوانی برای موافقت با این نظر داوز و هیوز وجود دارد که «نظریه نظام یافته ای در باره متغیر های اجتماعی، روانی و سیاسی مشارکت وجود ندارد» (راش، ۱۳۹۱: ۱۴۳). بنا بر این در اینجا مجددا مروری مختصر به نظرات آن دسته از صاحب نظرانی خواهیم داشت که قرابت بیشتری با موضوع مشارکت سیاسی دارند، و در واقع هریک از آنها ابعاد و زوایائی از پدیده مشارکت سیاسی را توضیح می دهند تا بر اساس آن بتوان هم از نگاه تک بعدی و نارسا بودن که در بعضی از نظریه های قبل ملاحظه است، پرهیز کرد، و هم با توانمند سازی نظریه های مورد نظر (که با موضوع تحقیق سازگاری بیشتری دارند) در قالب ساختاری چند وجهی که حاصل تلفیق نظریه های گوناگون است به یک دیدگاه نظری منسجم دست یافت. بنا بر این همانگونه که در چارچوب نظری به صورت مبسوط خواهد آمد از میان دیدگاه های نظری مطروحه در اینجا نظریه صاحب نظرانی

انتخاب می گردد که هر یک بعد یا ابعادی از پدیده شرکت سیاسی (نخبگان) را بیشتر مد نظر قرار داده و یا برجسته کرده اند.

از صاحب نظرانی که در این زمینه مطالب برجسته و قابل تامل بیشتری در مورد مشارکت سیاسی (متغیر وابسته) ارائه داده اند با افرادی چون: هانتینگتون، لیپست، لرنر، اینگلهارت، رابرت دال و پاتنام مواجه می شویم که بنظر می رسد هر یک از آنها ابعادی از مشارکت سیاسی را توضیح داده اند. در اینجا به اختصار و موجز به نقطه نظرات تاکیدی و کلیدی هر یک از آنها اشاره خواهد شد. از نظر هانتینگتون توسعه اقتصادی در هر کشوری عامل مسلط در رشد و توسعه سیاسی می گردد. از نظر ایشان توسعه اقتصادی منجر به افزایش منزلت اجتماعی برای شهروندان می گردد. و همین عامل احساس توانمندی و بویژه موثر بودن از نظر سیاسی را برای افراد بدنبال خواهد داشت. و احساس توانمندی، موجب افزایش مشارکت اجتماعی و سیاسی می گردد. از نظر هانتینگتون شاخص این وضعیت در سطح فردی افزایش تحرک اجتماعی و آگاهی سیاسی بیشتر است. از نظر هانتینگتون تحرک اجتماعی باعث افزایش مشارکت سیاسی می گردد. لیپست کنش سیاسی کنشگران را در عرصه مشارکت سیاسی تابعی از منافع کنشگران و حضور و فعالیت نهادها و احزاب سیاسی و دسته بندی آنها می داند. بنظر لیپست، در جامعه ای که دسته بندی های سیاسی بیشتر و شفاف تر باشد، اهداف و برنامه های آنها مشخص تر باشد، مشارکت کنندگان جریان های سیاسی را بهتر درک می کنند، و در نتیجه تکلیف خود را بهتر می دانند. در این صورت حجم مشارکت سیاسی بیشتر خواهد بود.

لرنر سطح مشارکت را بطور عام و مشارکت سیاسی را بطور خاص تابع ویژگی های فردی مانند سطح سواد، امکان دسترسی به رسانه ها و نرخ شهرنشینی می داند. از نظر ایشان ویژگی های فردی تابعی است از نوسازی و رشد فرهنگی در هر جامعه، و اینکه هر چه مسیر جامعه از شکل سنتی بطرف جامعه مدرن طی شده باشد زمینه مشارکت و بویژه مشارکت سیاسی بیشتر خواهد شد. اینگلهارت مشارکت سیاسی را تابعی از ارزشهای اجتماعی نزد افراد می داند. به اینصورت که ارزش ها بعنوان شکل دهنده پیام-های نظام رفتاری افراد دارای بیشترین تأثیر در کنش های آنها بوده و در بعد فردی و روانی، مهمترین منبع برای جهت گیری درک و شناخت از خود و در بعد اجتماعی مجموعه ای از عقاید و نگرش هائی را فراهم می سازد که فرد در فرآیند جامعه پذیری آنها را کسب می کند. و خود را با قواعد و هنجارهای جامعه هماهنگ میکند و معمولاً نوع ارزشهای اجتماعی موثر در نزد افراد تابعی از پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد است. بنابراین، اقشار مرفه تر تمایل به گروههای سیاسی دارای اهداف فرهنگی، و اقشار کم درآمد و طبقات پایین تمایل به گروههای سیاسی دارای اهداف اقتصادی دارند، بنا براین گرایش به مشارکت سیاسی در طبقات بالا یا پایین جامعه به اهداف اقتصادی یا فرهنگی گروههای سیاسی ارتباط دارد. رابرت دال در مواجهه با موضوع مشارکت سیاسی عمدتاً به کنش معطوف به هدف و معادله هزینه-فایده از دید کنش گران می نگرد. و اینکه آیا مشارکت سیاسی کنش گران مقرون به فایده است یاخیر؟ و یا کنش آنها تأثیری در نتیجه مشارکت خواهد داشت یا نه؟ بنابراین پنداشت از نتیجه این کنش، حجم و سمت و سوی مشارکت را تعیین می کند. با توجه به نظریات ارائه شده و جمع بندی آنها به نظر می آید مسئله مشارکت سیاسی در ایران را نمی توان با هیچیک از این نظریه ها به تنهایی مورد بررسی قرار داد. زیرا هر یک از این نظریه ها، بعد و یا منظر خاصی از عوامل موثر بر مشارکت را مد نظر قرار داده اند. در حالیکه از منظر تئوریک، مشارکت سیاسی در ایران دارای ابعاد متعددی است که بعضی از نظریه های پیرامون

مشارکت سیاسی حد اکثر بعدی از ابعاد آنرا توضیح دهند. بنا بر این باید بدنبال ارائه نظریه ای جدید و یا تلفیقی از ابعاد این نظریه ها بود تا توانائی و توضیح مسئله مورد نظر (میزان مشارکت سیاسی دانشجویان) را داشته باشد.

### پیشینه تحقیق

#### تحقیقات داخلی

حاجی زاده و آورچه (۱۳۹۳) در مطالعه ای تحت عنوان "مسئولیت پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تاکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در میزان" به این نتیجه رسیدند که بررسی جایگاه مسئولیت پذیری در قرآن مبین آن است که قرآن، انسان را موجودی اجتماعی، در اجتماع و برای اجتماع می داند و انسان را نسبت به برخی از مسائل مسئول دانسته و رفتار مسئولانه را از شاخص های انسان سالم می داند. بنابراین مسئولیت پذیری که از زمینه های مهم مورد مطالعه جامعه شناسی است. لذا طرح آن در قرآن، به منزله اهمیتی است که اسلام برای جامعه و زندگی اجتماعی قائل است و ضرورت شناخت و بررسی علمی این پدیده، مطالعات اجتماعی و جامعه شناسی را در اسلام تایید می کند.

رستمیان (۱۳۹۳) در مقاله ای به بررسی مسئولیت پذیری و وظیفه شناسی، از دیدگاه قرآن و روایات اهل بیت (علیم السلام) پرداخته و در نتایج خود چنین بیان می دارد که با بررسی رابطه مسئولیت پذیری و وظیفه شناسی، ریشه مسئولیت پذیری را در امانت الهی یافتیم که جز انسان موجودی دیگری نتوانست آن را قبول کند. اما انسان در صورتی می تواند مسئولیت پذیر باشد که با دو اصل تقوا و ایمان، زمینه های آن را فراهم کند و از راهکارهای تفکر و تفقه و بصیرت بهره برد. یزدان پناه و حکمت (۱۳۹۲) در تحقیقی به بررسی عوامل موثر بر مسئولیت پذیری اجتماعی جوانان دانشگاه کرمان پرداختند. نتایج تحقیق نشان می دهد که احساس عزت نفس، شیوه فرزند پروری منسجم، صمیمی و پاسخگو، اعتماد اجتماعی بین شخصی، اعتماد تعمیم یافته و نهادی و جنسیت و پایگاه اقتصادی اجتماعی متغیرهای تاثیر گذار بر مسئولیت پذیری اجتماعی هستند.

#### تحقیقات خارجی

در بخش پژوهش های خارجی می توان به نتایج تحقیقات لیپست درخصوص فعالیت های سیاسی در کشورهای آلمان، سوئد، نروژ و فنلاند و ... اشاره کرد. نتایج تحقیق وی نشان می دهد که تفاوت های شهری و روستایی در برخی مشارکت های سیاسی مانند انتخابات وجود دارد؛ ولی شامل برخی دیگر نمی شود. در کشورهایی که دارای سنت های قدیمی رهبری جمعی هستند، مشارکت در مناطق روستایی بیش از مناطق شهری است. لیپست به این نتیجه می رسد که الگوی مشارکت سیاسی در مورد شرکت در انتخابات در کشورهای مختلف یکسان است. مردان بیش از زنان، تحصیل کرده ها بیش از افراد کمتر آموزش دیده، شهرنشینان بیش از روستاییان، افراد میانسال بیش از جوانان و کهنسالان، متأهلین بیش از مجردین، افراد دارای منزلت بالا بیش از افراد دارای منزلت پایین و افرادی که عضو سازمان هستند، بیش از افرادی که عضویت ندارند، در انتخابات شرکت می کنند (لیپست، ۱۳۷۳: ۳۷۹-۴۱۸). دی.ال. شت ضمن تاکید بر متغیرهای درآمد، شغل، تحصیلات و مجموع شاخص های پایگاه اقتصادی و اجتماعی با شهرنشینی، عضویت سازمانی مؤثر در میزان مشارکت سیاسی افراد گویای آن است که سواد یکی از متغیرهای بسیار قدرتمند و مؤثر بر میزان مشارکت است (بارکان، ۱۹۹۹: ۶۶). پرتز و کیدرون (۲۰۱۸)، در پژوهشی با عنوان حال و هوای سیاسی: مشارکت در رفتار سیاسی در مقامات محلی بیان داشتند: این مطالعه بر روی راه های یاباست که یک محیط سیاسی درک شده بر

تعامل با رفتار سیاسی در یک دوره انتخابات ملی تأثیر می‌گذارد. با استفاده از نظریه شناختی اجتماعی به عنوان راهی برای پیش‌بینی رفتار در سازمان‌ها، ما بررسی می‌کنیم که چگونه رفتار مدیران در رفتار سیاسی شکل می‌گیرد. یک روش تحقیق کیفی مورد استفاده قرار گرفت. شانزده مصاحبه با مدیران در سال‌های انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۵ در مقامات مختلف محلی انجام شد. علاوه بر این، یک جو سیاسی درک شده، درگیر شدن در طیف وسیعی از رفتارهای سیاسی در سراسر سازمان است و با نقش اداری مرتبط است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که مدیران از "سرمایه سیاسی" استفاده می‌کنند که دوره انتخابات برای تأثیرگذاری و دستکاری در آینده‌ی سازمان و خودشان تأثیر می‌گذارد.

### روش تحقیق

روش تحقیق کمی از نوع پیمایش و ابزار آن پرسشنامه است. در بخش کلی اقدام به تهیه پرسشنامه خواهد شد که بر اساس روش‌های مشخص در میان شهروندان اهواز توزیع و نتایج آن برای تحلیل جمع‌آوری خواهد شد. جامعه آماری مورد مطالعه تمام شهروندان زن و مرد بالای ۲۵ سال ساکن شهر اهواز می‌باشد. آخرین سرشماری انجام گرفته در سال ۱۳۹۵ شهر اهواز نشان می‌دهد که این شهر جمعیتی معادل ۸۷۶۰۰۰ نفر برآورد می‌شود. از این تعداد ۳۸۴ نفر بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران به منزله نمونه انتخاب می‌شود.

$$n \geq \frac{(N \cdot z^2 \cdot \alpha / 2 \cdot p(1-p))}{(\epsilon^2 \cdot (N-1) + z\alpha / 2 \cdot p(1-p))} = 384$$

که در این تحقیق  $Z$  توزیع استاندارد می‌باشد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد برابر با ۱/۹۶ می‌باشد.  $N$  حجم جامعه مورد بررسی،  $P$  و  $q$  از روش احتیاطی برابر ۵۰ درصد و ضریب خطا ( $\epsilon$ ) برابر با ۰/۰۵ در نظر گرفته می‌شود. در نتیجه محاسبه فوق، حجم نمونه ۳۸۴ نفر تعیین شد. نمونه‌گیری، یعنی انتخاب تعدادی از افراد، حوادث، و اشیاء، از یک جامعه تعریف شده به عنوان نماینده آن جامعه (دلاور، ۱۳۸۴: ۱۲۰). منظور از حجم نمونه تعداد کل عناصر انتخاب شده از جامعه آماری مورد مطالعه است. در مقابل، حجم جمعیت آماری مجموعه عناصر موجود در جامعه آماری است که مبنای محاسبه در نمونه‌گیری محسوب می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۷: ۱۵۷). در بسیاری از تحقیقات انسانی و اجتماعی محقق دنبال آن است تا نمونه تحقیقی مورد نظر را بگونه‌ای انتخاب کند که بتواند با اطمینان بالایی ویژگی‌های مورد نظر جامعه مورد مطالعه را در داخل نمونه انتخابی جستجو کند. شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق طبقه‌ای متناسب بوده است. شیوه‌های نمونه‌گیری احتمالی نظیر نمونه‌گیری تصادفی ساده، سیستماتیک و طبقه‌ای نسبت به شیوه‌های غیراحتمالی به لحاظ آماری ارجحیت دارند. در نمونه‌گیری طبقه‌ای جمعیت به دو یا چند طبقه تقسیم می‌شود. اگر کسر نمونه‌ای یا نسبت انتخاب در داخل طبقات مساوی باشد، نمونه را طبقه‌ای و نسبی می‌خوانند. نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی در مقوله روش‌هایی است که در آن احتمال انتخاب برای همه واحدهای جمعیت برابر است (سرایی، ۱۳۷۴: ۱۹). نمونه‌گیری طبقه‌ای یا طبقه‌بندی شده، زمانی استفاده می‌شود که جامعه، ناهمگن و نامتجانس باشد و محقق بخواهد گروه‌هایی مختلف در نمونه‌اش، حضور داشته باشند. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در این تحقیق بر دو بخش استوار است؛ آمار توصیفی و استنباطی. آمار توصیفی که از طریق بدست آوردن فراوانی، میانگین، واریانس و انحراف معیار، متغیرهای مورد مطالعه توصیف می‌شوند. آمار استنباطی که متغیرهای تحقیق برای بررسی فرضیه‌های تحقیق از طریق روش معادلات ساختاری مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این تحقیق در

بخش آمار استنباطی از آزمون مدل سازی معادلات ساختاری جهت سنجش فرضیه های تحقیق استفاده گردید. جهت انجام این منظور از نرم افزارهای Excel و Spss استفاده گردید.

### بررسی فرضیات تحقیق

(۱) بین میزان مسئولیت پذیری فردی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

معناداری	T	انحراف معیار	میانگین	
۰.۰۱۲	۲.۵۴۰	9.6	79.6	مشارکت سیاسی
		10.7	75.8	

این نتایج نشان می دهد بین گروه مسئولیت پذیری از نظر مشارکت سیاسی اختلاف معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه H۱ مبنی بر تفاوت میانگین دو گروه از نظر متغیر مشارکت سیاسی پذیرفته می شود. بنابراین می توان گفت با در نظر گرفتن ۵ درصد خطا و اطمینان ۹۵ درصد بین مسئولیت پذیری و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد

(۲) بین میزان مسئولیت پذیری اجتماعی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

معناداری	T	انحراف معیار	میانگین	
۰.۰۱۲	۲.۵۴۰	9.6	۸۴.۹	مشارکت سیاسی
		10.7	80.2	

این نتایج نشان می دهد بین گروه مسئولیت پذیری از نظر مشارکت سیاسی اختلاف معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه H۱ مبنی بر تفاوت میانگین دو گروه از نظر متغیر مشارکت سیاسی پذیرفته می شود. بنابراین می توان گفت با در نظر گرفتن ۵ درصد خطا و اطمینان ۹۵ درصد بین مسئولیت پذیری و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد

۳- بین میزان مسئولیت پذیری فرهنگی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

معناداری	T	انحراف معیار	میانگین	
۰.۰۱۲	۲.۵۴۰	9.6	۶۰.۱	مشارکت سیاسی
		10.7	۷۷.۹	

این نتایج نشان می دهد بین گروه مسئولیت پذیری از نظر مشارکت سیاسی اختلاف معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه H۱ مبنی بر تفاوت میانگین دو گروه از نظر متغیر مشارکت سیاسی پذیرفته می شود. بنابراین می توان گفت با در نظر گرفتن ۵ درصد خطا و اطمینان ۹۵ درصد بین مسئولیت پذیری و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد

(۴) بین میزان مسئولیت پذیری اقتصادی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

معناداری	T	انحراف معیار	میانگین	
۰.۰۱۲	۲.۵۴۰	9.6	84.6	مشارکت سیاسی
		10.7	70.3	

این نتایج نشان می دهد بین گروه مسئولیت پذیری از نظر مشارکت سیاسی اختلاف معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه H۱ مبنی بر تفاوت میانگین دو گروه از نظر متغیر مشارکت سیاسی پذیرفته می شود. بنابراین می توان گفت با در نظر گرفتن ۵ درصد خطا و اطمینان ۹۵ درصد بین مسئولیت پذیری و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد

### نتیجه گیری

شهروندی، اصلی است که بر روابط دولت و اعضاء جامعه سازمان نظارت می کند، یعنی از یک سو به امتیازات دولت و حقوق افراد و از دیگر سو به مناسبات و فرایندهای تاریخی مربوط می شود. که شهروندی اعتبار فرد را در جامعه مشخص می کند، به بیان دیگر، شهروندی پیوندهای میان فرد و جامعه را قالب حقوق، تعهدات و مسئولیت ها منعکس می سازد، و چارچوبی برای تکامل افراد گروهها و نهادها ارائه میکند، بحث از کمیت و کیفیت این حقوق و تکالیف امروزه حجم وسیعی از گفتارها و نوشتارها را به خود اختصاص داده و این مسئله را « مطرح ساخته که تحقق شهروندی به تبع آن توسعه در گروه شناخت موثر آن است بنابراین کارکرد اصلی شهروندی اداره سازمان مطابق به اصول رعایت حقوق دیگران و تعهد به انجام امور در جهت حفظ نهادها، » شهروندی مشترکی است که این حقوق را برقرار یافته و نگه می دارند. مشارکت سیاسی به مثابه یکی از بسترهای اصلی حضور و بروز افکار و سلیقه های مختلف مردم، ساده ترین و مهمترین شکل مشارکت سیاسی در هر کشوری است. به عبارتی دیگری از معیارهای سنجش مردم سالاری در جوامع مختلف مقوله مشارکت سیاسی است. ایران با نظامی مردم سالار از کشورهایی است که بیشترین نرخ مشارکت در مشارکت سیاسی را دارد. این مساله به نوعی نشانه بالا بودن میزان تعهد سیاسی مردم ایران و قبول مسوولیت فردی و اجتماعی آنان است. یکی از مولفه های مهم افزایش مشارکت سیاسی، توجه به اعتماد عمومی و سرمایه های اجتماعی است. از این رو نظام های سیاسی بر پایه اعتماد عمومی و اراده مردم استحکام میابند و استمرار و اقتدار آنها وابسته به مشارکت مردم است. در واقع مشارکت شهروندان در رابطه ای مبتنی بر اعتماد عمومی محقق می شود. هر جا سطح اعتماد عمومی بالا باشد میزان مشارکت و همیاری مردم در عرصه های مختلف رشد میابد. بنابر این نمی توان به نقش اعتماد عمومی، کم توجهی بی توجهی کرد چرا که کاهش مشارکت را به همراه می آورد. همچنین هر چه مشارکت مردم در مشارکت سیاسی گسترده باشد ثبات سیاسینیز بیشتر خواهد شد. مشارکت در مشارکت سیاسی نشانگر رابطه ای همبسته میان مردم و حکومت است. به عبارتی دقیق تر مشارکت، گویای اعتماد عمومی و مسئولیت پذیری سیاسی- اجتماعی است. همین جامعه پذیری سیاسی نویدبخش مشارکت حداکثری می شود؛ افزایش مشارکتی که فضایی سرشار از همدلی و نشاط را به بار می آورد. به باور صاحب نظران، کاهش مشارکت به تضعیف تعهد اجتماعی و کمرنگ شدن هویت اجتماعی و ملی می انجامد. یکی از ابزارهای مهم در جهت رسیدن به توسعه سیاسی، مشارکت گسترده است که اهمیت حضور مردم در فرایندهای سیاسی و تعیین سرنوشت آنان را به عنوان مصداقی از مشروعیت و تحکیم رکن جمهوریت نظام نشان می دهد. بر این پایه، مشارکت سیاسی به عنوان فرایند رقابت گروه ها با محترم شمردن سلیقه ها و دیدگاه های سیاسی مردم، آن ها را به حقوق سیاسی شان آگاه می سازد و باور شهروندان را در رعایت ارزش های مردمسالارانه تقویت می کند. علاوه بر آنچه بیان شد، مشارکت گسترده مردم در مشارکت سیاسی همراه با اثرگذاری هایی که در همبستگی اجتماعی و وفاق ملی دارد در زمینه بین المللی نیز می تواند تاثیر قابل توجهی داشته باشد زیرا می تواند به نوعی وزن کشور را در مناسبات بین المللی ارتقا

بخشد و قدرت چانه زنی را بالا ببرد. به عبارتی می‌توان گفت که حضور فراگیر و مشارکت حداکثری در انتخابات، کشور را در برابر آسیب‌ها و آفت‌های خارجی ایمن می‌کند و نوعی پادزهر در برابر صدمات به حساب می‌آید.

نتایج حاصل از فرضیات

بین میزان مسئولیت‌پذیری فردی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

این نتایج نشان می‌دهد بین گروه مسئولیت‌پذیری از نظر مشارکت سیاسی اختلاف معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه H۱ مبنی بر تفاوت میانگین دو گروه از نظر متغیر مشارکت سیاسی پذیرفته می‌شود. بنابراین می‌توان گفت با در نظر گرفتن ۵ درصد خطا و اطمینان ۹۵ درصد بین مسئولیت‌پذیری و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد. نتایج این فرضیه یا یافته‌های داداشی و کلایی (۱۳۹۵)، سبحانی نژاد و نجفی (۱۳۹۳)، حاجی زاده و آورجه (۱۳۹۳)، رستمیان (۱۳۹۳)، یزدان پناه و حکمت (۱۳۹۲)، مقدس جعفری و کریمی در سال ۱۳۹۲، طالبی و خوشبین (۱۳۹۱)، ایمان و جلائیان (۱۳۸۹)، جعفری (۱۳۸۹) و حسنی (۱۳۸۹) همراستاست.

بین میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

این نتایج نشان می‌دهد بین گروه مسئولیت‌پذیری از نظر مشارکت سیاسی اختلاف معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه H۱ مبنی بر تفاوت میانگین دو گروه از نظر متغیر مشارکت سیاسی پذیرفته می‌شود. بنابراین می‌توان گفت با در نظر گرفتن ۵ درصد خطا و اطمینان ۹۵ درصد بین مسئولیت‌پذیری و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد. نتایج این فرضیه یا یافته‌های داداشی و کلایی (۱۳۹۵)، سبحانی نژاد و نجفی (۱۳۹۳)، حاجی زاده و آورجه (۱۳۹۳)، رستمیان (۱۳۹۳)، یزدان پناه و حکمت (۱۳۹۲)، مقدس جعفری و کریمی در سال ۱۳۹۲، طالبی و خوشبین (۱۳۹۱)، ایمان و جلائیان (۱۳۸۹)، جعفری (۱۳۸۹) و حسنی (۱۳۸۹) هدوا وینارسکی و کیدرون (۲۰۱۸)، پرتز و کیدرون (۲۰۱۸)، البانا (۲۰۱۸)، شوایت و همکاران (۲۰۰۵) همراستاست.

بین میزان مسئولیت‌پذیری فرهنگی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

این نتایج نشان می‌دهد بین گروه مسئولیت‌پذیری از نظر مشارکت سیاسی اختلاف معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه H۱ مبنی بر تفاوت میانگین دو گروه از نظر متغیر مشارکت سیاسی پذیرفته می‌شود. بنابراین می‌توان گفت با در نظر گرفتن ۵ درصد خطا و اطمینان ۹۵ درصد بین مسئولیت‌پذیری و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد. نتایج این فرضیه یا یافته‌های داداشی و کلایی (۱۳۹۵)، سبحانی نژاد و نجفی (۱۳۹۳)، حاجی زاده و آورجه (۱۳۹۳)، رستمیان (۱۳۹۳)، یزدان پناه و حکمت (۱۳۹۲)، مقدس جعفری و کریمی در سال ۱۳۹۲، طالبی و خوشبین (۱۳۹۱)، ایمان و جلائیان (۱۳۸۹)، جعفری (۱۳۸۹) و حسنی (۱۳۸۹) هدوا وینارسکی و کیدرون (۲۰۱۸)، پرتز و کیدرون (۲۰۱۸)، البانا (۲۰۱۸)، شوایت و همکاران (۲۰۰۵) و پژوهش‌گات و همکاران (۲۰۰۲) همراستاست.

بین میزان مسئولیت‌پذیری اقتصادی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

این نتایج نشان می‌دهد بین گروه مسئولیت‌پذیری از نظر مشارکت سیاسی اختلاف معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه H۱ مبنی بر تفاوت میانگین دو گروه از نظر متغیر مشارکت سیاسی پذیرفته می‌شود. بنابراین می‌توان گفت با در نظر گرفتن ۵ درصد خطا و اطمینان ۹۵ درصد بین مسئولیت‌پذیری و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

نتایج این فرضیه یا یافته های داداشی وکلایی (۱۳۹۵)، رستمیان (۱۳۹۳)، یزدان پناه و حکمت (۱۳۹۲)، مقدس جعفری و کریمی در سال ۱۳۹۲، طالبی و خوشبین (۱۳۹۱)، ایمان و جلائیان (۱۳۸۹)، جعفری (۱۳۸۹) و حسنی (۱۳۸۹)، پرتز و کیدرون (۲۰۱۸)، البانا (۲۰۱۸)، شویت و همکاران (۲۰۰۵) و پژوهش گات و همکاران (۲۰۰۲) همراستاست.

#### پیشنهادات علمی و پژوهشی

- پیشنهاد می شود تحقیقات پیرامون مشارکت سیاسی در موقع انتخابات و یا با فاصله کم از لحاظ زمانی پس از انتخابات از طریق شیوه های پیمایشی به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی و همچنین به وسیله تحقیقات افکارسنجی به بررسی رفتار انتخاباتی پرداخته شود.

- از آنجا که موضوع مشارکت سیاسی بصورت پیوستاری و در سطوح متعدد است، لذا پیشنهاد می گردد که محققان به بررسی این موضوع در سطوح مختلف بپردازند.

- پیشنهاد می شود مراکز دانشگاهی به شیوه های نظرسنجی با رویکردی علمی توجه نشان دهند و شاخص های متعدد و مرتبط با انتخابات و مشارکت سیاسی را بررسی نمایند.

#### پیشنهادات کاربردی

- تقویت مبانی سیاست گذاری در راستای توسعه مشارکت های عمومی در تصمیم گیریها و برنامه های توسعه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهر

- ایجاد نگرش مثبت به مشارکت سیاسی و جلب اعتماد عمومی مردم نسبت به مسئولین و در سطحی دیگر ایجاد اعتماد بین شهروندان

- واگذاری مسئولیت ها و تصمیم گیری ها در برخی از امور شهری به مردم و اهمیت دادن به پیشنهادات و نظرات شهروندان در اداره امور شهر بمنظور تقویت احساس مالکیت بر محیط شهری در میان آنها

- با توجه به فضای دینی جامعه، از فضا و شرایط حاکم بر جامعه ایران بهره برداری بیشتر به عمل آید و با استفاده از مراجع دینی و آموزشهای دینی تمایل به مشارکت آنان را افزایش داد.

- با توجه به اینکه هر چه میزان رضایت مردم از خدمات شهری بیشتر باشد گرایش بیشتری برای مشارکت دارند لذا انجام اقداماتی در جهت افزایش رفاه عمومی و آسایش مردم، توسعه خدمات شهری و امکانات آموزشی، فرهنگی و تفریحی و ایجاد مراکزی برای استفاده از پیشنهادات مردمی در جهت خدمات رسانی بهینه می تواند در راستای جلب مشارکت بیشتر آنها در امور اجتماعی و سیاسی شهری مؤثر واقع شود.

با توجه به نتایج فرضیات می توان دریافت در عرصه شهری برخورداری از حقوق و رعایت تکالیف بطور یکسان در میان گروه های اجتماعی توزیع نشده و این امر بایستی در سیاستگذاری ها و برنامه ریزی های شهری مورد توجه قرار گیرد.

آموزش رسمی از مقطع آمادگی آغاز و تا دوره دانشگاهی ادامه می یابد. در هر یک از مقاطع آمادگی، دبستان، راهنمایی و دبیرستان با توجه به شرایط سنی و ذهنی کودکان و نوجوانان و جوانان، آموزش حقوق شهروندی با روش کاملاً غیرمستقیم (از طریق نحوه رفتار و برخورد آموزگار با کودکان)، به عبارتی مدارس برای دانش آموزان فضایی فراهم کنند

که دانش‌آموزان، شهر را تجربه کنند و با حقوق شهروندی به شکل عملی آشنا شوند. یعنی ساختارها، روش‌ها و محیط‌های آموزشی برای تدوین و یادگیری شهروندی آماده شوند. و طرح مستقیم مفاهیم حقوق شهروندی با دانش‌آموزان (با بهره‌گیری از روش‌های تدریس فعال از جمله؛ روش حل مسئله، روش کاوشگری، روش پروژه، روش یادگیری مشارکتی و...) و همچنین اطلاع‌رسانی در خصوص حقوق شهروندی با برگزاری کنفرانس، سمینار، دوره‌های کوتاه مدت و تهیه و تدوین کتابچه تصویری، کتب آموزشی، ابزار سمعی و بصری و فعالیت‌های فوق‌برنامه و اردوهای دانش‌آموزی به‌عنوان راه‌کارهای تربیت شهروندی بهره‌برد. آموزش غیررسمی موجب عمومیت‌یافتن حساسیت نسبت به رعایت حقوق شهروندی از طریق مشارکت نهادهای عمومی و خصوصی می‌گردد. آموزش حقوق شهروندی و آزادی‌های عمومی در نهادهای عمومی دولتی و غیر دولتی از اهمیت مضاعفی برخوردار است، زیرا موجب استقرار و گسترش فرهنگ انسان‌دوستانه و مطالبه‌کننده - حکومت‌خادم و پاسخ‌گویی و در نتیجه تعمیق دولت قانون‌مدار می‌شود. فعالیت خاص شهرداری‌ها در زمینه آموزش همگانی (اجتماعی) در زمینه‌های مختلف حقوق شهروندی توصیه می‌گردد، خصوصاً در زمینه‌های: حقوق و تکالیف شهروندی؛ زنان؛ کودکان؛ مشارکت سیاسی؛ حقوق سندیکایی؛ حقوق محیط زیست؛ حقوق اقتصادی و اجتماعی، شهرداری‌ها می‌توانند این مهم را از طریق ابزار سمعی و بصری، برقراری دوره‌های کوتاه‌مدت و برنامه‌های هنری و فرهنگی و تأسیس نهادهای مدنی و غیر دولتی مانند «مجمع‌های محلی ارزیابی و پژوهش» به‌عنوان نوعی برنامه عملی برای آشنا ساختن جوانان با حقوق و وظایف خود به‌عنوان شهروند انجام دهند.

## منابع

- آبرامسون، پل (۱۳۸۳)، مشارکت سیاسی، ترجمه نسرین طباطبایی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- اختر شهر، علی (۱۳۸۶)، مؤلفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی در حکومت دینی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- اطاعت، جواد (۱۳۷۴)، نظام انتخاباتی و نظام سیاسی، مطالعه فرایند دموکراتیزاسیون در ایران، رساله دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- ایزدی، صمد و علی آقامحمدی (۱۳۸۶). آموزش شهروندی، حقوق انسانی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در نظام آموزشی، نشر مرکز مطبوعات و انتشارات، چاپ اول.
- ایزدی، صمد و عزیزی شمami، مصطفی (۱۳۸۸). ضرورت برخورداری دانشجویان از دانش شهروندی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در فرایند جهانی شدن، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، سال چهارم، شماره ۱۵.
- باربالت، جی ام، حقوق شهروندی، ترجمه جواد کارگزاری (۱۳۸۳). نشریه حقوق اساسی، سال دوم، شماره دوم.
- باور، یوسف (۱۳۷۴)، بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی اجتماعی دانشجویان دانشگاه شیراز بر نگرش آنان نسبت به مشارکت سیاسی زنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: نشر نی.

بهنود، مهسان (۱۳۸۲)، بررسی عوامل موثر بر نوع روابط میان همسران در خانواده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.

باقی، عمادالدین (۱۳۷۷)، جنبش دانشجویی، [مصاحبه با روزنامه اخبار]، ۱۰، اسفندماه ۱۳۷۷.

بشیریه، حسین (۱۳۹۸). جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران، نشر علوم نوین

پیشگاهی‌فرد، زهرا و زهدی‌گهرپور، محمد (۱۳۸۹)، «بررسی جایگاه و نقش زنان خاور میانه در مشارکت سیاسی»، فصلنامه زن در جامعه، شماره اول: ۲۵-۴۴.

پناهی، محمدحسین (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی زنان، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

توسلی، غلامعباس (۱۳۹۶)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: نشر سمت.

ترابی، یوسف (۱۳۸۴)، آسیب‌شناسی مدیریت توسعه در ایران، فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.

چابکی، ام‌البنین (۱۳۷۳)، «نقش عوامل روانشناختی در مشارکت سیاسی زنان»، در مجموعه مقالات همایش مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلامی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی: ۲۳۸-۲۶۵.

حافظیان، محمدحسین (۱۳۸۱)، راه کارهای افزایش مشارکت سیاسی زنان در ایران و دیگر کشورهای اسلامی، در سمینار مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلامی، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۷)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات سمت.

حریری اکبری، محمد (۱۳۷۷)، ریشه‌های فعالیت‌های سیاسی دانشجویان، تبریز: بی جا.

خلیلی، محسن (۱۳۸۴)، «آسیب‌شناسی مشارکت زنان در جامعه معاصر ایران»، فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۲، ۱۶۵-۱۸۶.

دیوید ای اپتز؛ اعتراض سیاسی و تغییر اجتماعی، ترجمه محمد رضا سعید آبادی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی ۱۳۸۰، ص ۲۰-۲۲.

دورکین، رونالد، حق چون برگ برنده، ترجمه راسخ، محمد (۱۳۸۱). مجله نامه مفید، شماره ۲۹.

ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۱). آموزش شهروندی، نشریه: علوم اجتماعی «رشد آموزش علوم اجتماعی»، شماره ۱۹.

راش، مایکل؛ جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران، انتشارات سمت.

رضایی، عبدالعلی (۱۳۷۵)، مشارکت اجتماعی، وسیله یا هدف یا ابزار توسعه، فصلنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۰۹ و ۱۱۰.

سرمه، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی الهه (۱۳۸۳)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، چاپ هشتم، تهران: انتشارات آگاه.

سیدامامی، کاووس (۱۳۸۶)، مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی،

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۱.

- همو (۱۳۸۴)، سنجش اشکال و سطوح مشارکت سیاسی دانشجویان و نگرش‌های آنان درباره مشارکت سیاسی، گزارش طرح پژوهشی، سازمان ملی جوانان.
- سیدامامی، کاووس؛ افتخاری، اصغر و عبدالله، عبدالمطلب (۱۳۸۵)، ارزش‌ها و نگرش‌ها و رفتار سیاسی جوانان، گزارش طرح پژوهشی، سازمان ملی جوانان.
- سیف زاده، حسین (۱۳۷۳)، مشارکت منفعلانه و علل تداوم آن، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳۱، دی ماه.
- سیادت نسبت، سیدمهداد (۱۳۸۰)، «عوامل موثر بر مشارکت سیاسی زنان در شهر یاسوج»، فصلنامه آوای دنا، شماره ۴: ۳-۵.
- صالحی، عباس (۱۳۸۵)، در چیستی و چگونگی مشارکت سیاسی، مجله پگاه حوزه شماره ۲۰۰، ۳۰ دی ماه ۱۳۸۵.
- صمدی‌راد، انور (۱۳۸۵)، «مکانیسم‌های ارتقاء مشارکت زنان در ابعاد سیاسی و اقتصادی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۱: ۹۹-۱۲۲.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۳)، «مسائل و موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان در ایران»، مجله جامعه‌شناسی، شماره ۱۸: ۶۳-۹۹.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۷)، زنان در عرصه عمومی (عوامل و موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان ایرانی)، تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- فیرحی، داود (۱۳۷۷)، مفهوم مشارکت سیاسی، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱ تابستان ۷۷.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۴)، نقد نظریه‌های نوسازی و توسعه سیاسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- گولیموف‌فررو، حاکمیت، ترجمه عباس آگاهی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول ۱۳۷۰.
- لیپست، مارتین و دوز، رابرت (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه محمدحسین فرجاد، تهران: نشر توس.
- لهسایی زاده، عبدالعلی و باور، یوسف (۱۳۸۱)، «نگرش دانشجویان نسبت به مشارکت سیاسی زنان»، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۱۹: ۱۳۷-۱۵۰.
- محسنی تیریزی، علیرضا (۱۳۶۹)، بررسی زمینه‌های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، گزارش طرح پژوهشی مصوب معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.
- محسنی تیریزی، علیرضا (۱۳۷۸)، بررسی راههای جلب مشارکت مردمی در برنامه‌های توسعه پایدار کشاورزی در روستاهای منطقه گرمسار، طرح پژوهشی موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- محمدی‌اصل، عباس (۱۳۸۳)، «موانع مشارکت مدنی زنان در ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۲: ۹۳-۱۳۰.
- مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (۱۳۸۱)، بررسی نگرش شهروندان تهران نسبت به زنان، تهران: انتشارات مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران.

موحد، مجید (۱۳۸۲)، «مشارکت سیاسی زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، تهران، مطالعات زنان، شماره ۳: ۳-۲۸.

موسوی، طاهر (۱۳۷۷)، عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.

محبوب شهنازی، تقدیر مردمسالاری ایرانی، انتشارات روزنه، چاپ اول، ۱۳۹۰.

نیکلاس آبرکراسی، استفن هیل، برایان.اس.ترنر، فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، انتشارات چاپخش.

ناجی‌راد، محمدعلی (۱۳۸۲)، موانع مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی اقتصادی ایران پس از انقلاب، تهران: نشر کویر.

وفادار، مژگان (۱۳۷۵)، دموکراسی برداشت مردم و دانشجویان، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی. سایت دانشگاه تهران:

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰)، سازمان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۹)، موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم، ترجمه احمد شهسا، تهران: انتشارات روزنه.

یو، دال، سیونگ (۱۳۸۱)، فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی، تهران: انتشارات خانه سبز.

Abelson, Robert, & Ariel Levi; "Decision Making and Decision Theory", Gardner Lindzey & Elliot Aronson; The Handbook of social Psychology, 3rd edition, New York: Random House, 1985 .

Ahituv, Niv & Seev Neumann; Principles of Information Systems for Management; Dubuque, IA: WCB, 1990 .

Alex Mintz, Integrating Cognitive and Rational Theories of Foreign Policy Decision Making; New York, Palgrave, 2002.

Alvani, M. (2005). Decision and the state lines. Tehran: Publication of books, reading and editing of Humanities University (left).

Archer, Ernest R.; "How to make a business decision: An analysis of theory and practice"; Management Review, No. 69 (Feb. 1980), pp. 54-61 .

Ariely, Dan & Dan Zakay, "A timely account of the role of duration in decision making", Acta Psychologica; Vol. 108, Issue 2, Sep. 2001, Pp. 187-207 .

Awad, Elias m.; Systems Analysis and Design; New Delhi: Galgotia, 1994, Pp. 27-9.

Baker, Edward & Fisher, Michael; "Computational Results for very Large Air Crew Scheduling Problems", Omega, No. 9, (1981), Pp. 613-8 .

Bazerman, M.H., & Moore, D. (2008). Judgment in Managerial Decision Making (7th ed.). Hoboken, NJ:John Wiley & Sons, Inc. Pp. 54-55

Beach, L. R. & T. R. Mitchell. " Image Theory: A Behavioral Theory of Decision making in Organizations"; in B. M. Staw and L. L. Cummings (eds); Research in Organizational Behavior, Vol. 12, Greenwich, CT: JAI, 1990

Beach, L. R.; "Image Theory; decision making in Individual and Organizational Contexts"; London: Wiley, 1990.

Beach, Lee Roy, & Terrence Mitchell; " A Contingency Model for the Selection of Decision Strategies"; Academy of Management Review; No. 3 (April 1978), Pp. 439-40 .

Behling, O.& N. L. Eckel; "Making sense out of intuition"; The Executive; Feb. 1991, Pp. 46-54.

Bhargava, J. N.; Economics of Information Management; Jampur: Arihant Publishing House, 1993, Pp.62-5.

Blai, Boris; "Eight steps to successful problem solving"; Supervisory Management, Jan. 1986, Pp. 7-9.

Blustein, L; Phillips, D. (1990). "Relation between ego identity statuses and decision-making styles". Journal of Counseling Psychology, Vol 37(2), 160-168.

Brumfield, Elizabeth B., & John w. Fox (eds); Factional Competition and Political Development in the New World; New York: Cambridge University Press, 1993 .

Burns, M. (2008). "The role of ethics in decision making by deans and division chairs of community colleges": University of Gonzaga.Business; Oct. 1986, Pp. 209-24.

Calvert, Randall; "Political Decision Making with Costly and Imperfect Information"; in P. E. Johnson; Formal Theories of Politics: Mathematical Modelling in Political Science; New York: Pergamon Press, 1989, Pp. 497-509 .

Cohen, M. D., J. G. March, & J. P. Olsen; "A Garbage Can Model of Organizational Choice", Administrative Science Quarterly, March 1972, pp. 1-27.

Cohen, Michael D. and James G. March, Leadership and Ambiguity: The American College President, New York: McGraw-Hill, 1974 .

Cohen, Michael, James March & John Olsen, "A Garbage Can Model of Organizational Choice", Administrative Science Quarterly, No. 17, March 1972, Pp. 1-25 .

Cross, Robert L. & Susan E. Brodt; "How Assumptions of Consensus Undermine Decision Making"; MIT Sloan management Review; Vol. 42, No. 2 (Winter 2001), Pp. 86-94 .

Crossley, C. D., & Highhouse, S. (2005). "Relation of job search and choice process with subsequent satisfaction". Journal of Economic Psychology, 26(2), 255-268.

Cyert & March, Behavioral Theory of the Firm, Pp. 120-2.

Daft, R. L. (2001). "Essential of Organization Theory & Design, (7th ed)". South-Western: Thomson Learning.

Daft, Richard L. & John C. Wiginton. "Language and Organization"; Academy of Management Review, 1979, pp. 120-22 .

Daft, Richard L.: Organization Theory and Design; New York: West Publishing Co. 2001, P. 415. 1989, P. 146.

Davis, Gordon B. & Margrethe H. Olson; Management Information Systems: Conceptual Foundations, Structure, and Development; 2nd Ed. New York: McGraw-Hill, 1984, Pp. 35-6.

Decisions; Boston: Harvard Business School Press, 1998. P. 56.

Delshad Tehrani, M. (2007). Lord of the loan. Tehran: the sea.

Dowd, Ann Reilly, "How Bush Decided", Fortune, Feb. 11, 1991, Pp. 45-6.

Drucker, Peter; "How the effective executive does it?"; Fortune; 1987, Feb. Pp. 142-145 .

Druckman, Daniel; "Situational Levers of Position Change: Further Explorations"; Annals, AAPSS, Vol. 542, Pp. 61-80

Eberlin, Richard jay. (2005). "The relationship among leadership styles, decision making and organizational justice": alliant interuational university.

Economic Focus: Mind Games"; Economist; Jan. 15, 2005; P. 75.142-145.

Edwards, Cheris, John Ward, & Andy Bytheway; The Essence of Information Systems; New York: Prentice-Hall, 1991, P. 10.

Eisenberg, Daniel J.; How Senior Managers Think"; Harvard Business Review; No. 62. Nov. 1984, Pp. 80-90.

Etzioni, Amitai; "Humble Decision Making"; Harvard Business Review on Decision Making; Boston: Harvard Business School Publishing Corporation, 2001, Pp.45-58 .

Etzioni, Amitai; "Mixed Scanning: a Third Approach to Decision Making", Public Administration Review, Vol. 27, 1967, Pp. 385-392 .

Festinger, Leon; A Theory of Cognitive Dissonance; Evanston, IL: Row & Peterson, 1957.

Forester, J.; "Bounded Rationality and the Politics of Muddling Through"; Public administration Review, Jan.-Feb. 1984, pp. 23-31 .

Garvin, D.A., & Roberto, M.A. (2001). What you don't know about making decision. Harvard Business Review, pp. 110-5

Gould, F. G., G. D. Eppen, & C. P. Schmidt; Introductory Management Science; New York: Prentice Hall, 1987, Pp. 30-93 .

Hammond, J., R. Keeney, & H. Raiffa; "The Hidden Traps in Decision Making"; Harvard Business Review on Decision Making; Boston: Harvard Business School Press, 2001, Pp. 143-167.

Harvey, O. J., D. E. Hunt & H. M. Schroder; Conceptual Systems and Personality Organization; New York: Wiley, 1961, P. 56

Hermann, Margaret; "Explaining Foreign Policy Behavior Using the Personal Characteristics of Political Leaders", International Studies Quarterly, Vol. 24, No. 1, 1980, Pp. 7-46 .

Herzberg, Roberta (Principal), Wilson, Rick (Co-Principal), "Expensive Choices: The Effects of Decision making Costs on Political Outcomes," Sponsored by National Science Foundation, Federal, \$107,000.00. (March 1988- March 1990) ), P. 345

Hope, J. & Pate, L.; "A cognitive-expectancy analysis of compliance decisions"; in Proceeding of the Association of Human Resources Management and Organizational Behavior, Boston: 1985 .

Hoy, K. W. & Miskel, G. C. (2008). Educational Administration: Theory, Research, and Practice (8th Ed.). New York: McGraw Hill, Inc.

Huber, George; Managerial Decision Making; Glenview IL: Scott, Foresman, 1975, P. 2 .

Issack, Thomas: "Intuition: An Ignored Dimension of Management", Academy of Management Review, No. 3 (1978). Pp. 917-22 .

Jackson, Peter; Introduction to Expert Systems: New York: Addison-Wesley, 1993 .

James, March; "Bounded Rationality, Ambiguity, and the Engineering of Choice", in Bell Journal of Economics, Vol. 9, 1978, Pp. 587-608 .

Janis, Irving L. & Leon Mann; Decision Making: a Psychological Analysis of Conflict, Choice and Commitment; New York: Free Press, 1977, P. 11 .

Kahneman D., & A. Tversky; "Prospect Theory: An Analysis of Decision under Risk"; Econometrica; 47 (March 1979), Pp. 263-91 .

Kahneman, D, & A. Tversky; "Choices, Values and Frames"; American Psychologist, No. 4, 1984, Pp. 341-50

Karin, K. (2003). "Gender influences in decision-making processes in top management teams", Management Decision, Vol. 41 Iss: 10, pp.1024 – 1034.

Kaucher, E. (2010). Ethical decision making and effective leadership: Alliant International University .

Keeney, Ralph L.; Smart Choices: A Practical Guide to Making Better Decisions; Boston: Harvard Business School Press, 1998. P. 56 .

Kroenke, David; Management Information Systems; New York: McGraw-Hill, 1992.

Larson, C. E. & F. M. J. LaFasto, Teamwork, Newbury Park, CA: Sage, 1989.

Lindblom, Charles E. 1959. "The Science of 'Muddling Through'." Public Administration Review 19: 79- 88

Lowler, Edward E., & Rhode, John Grant; Information and Control in Organizations; California: Goodyear Publishing co. 1976, Pp. 139-52 .

Lucas, Jr., Henry C; The Analysis, Design, and Implementation of Information Systems; 3rd Ed. New York: McGraw-Hill, 1985, P. 35 .

March, James G, A Primer on Decision Making; New York: Free Press, 1994 ,

Mintz, A., N. Geva, S. B. Redd, and A. Carnes; "The Effect of Dynamic and Static Choice Sets on Decision Strategy: An Analysis Utilizing the Decision Board Platform"; American Political Science Review; 91 (September 1997) .

Mintz, Alex; "The Decision to Attack Iraq: a Noncompensatory Theory of Decision Making"; *Journal of Conflict Resolution*, No, 37 (December 1993), Pp. 595-618.

Mintz, Alex; *Integrating Cognitive and Rational Theories of Foreign Policy Decision Making*; New York: Palgrave, 2002, P. 3.

Miser, Hugh J.; "Operations Analysis in the Army Air Forces in the World War II: Some Reminiscences"; *Interface*; No. 23, Sep. 1993, Pp. 47-9 .

Mitchell, T. R. & L. R. Beach; "Do I Love Thee? Let me Count, Toward an Understanding of Intuitive and Automatic Decision Making ", *Organizational Behavior and Human Decision Process*; Oct. 1990, pp. 1-20

Moghaddam, A. Tehrani, M. (2008). "Investigating the relationship between decision making styles of public managers in the final state organizations."

Morrow, James D.; "Rational Choice Approach to International Conflict"; in Mintz, Alex & Geva Nehemia (eds); *Decision making on War and Peace*; London: Lynne Rienner, 1997, Pp. 17-8 .

Murdick, Robert G., Joel E. Ross & James R. Clggett; *Information Systems for Modern Management*; New Delhi: Prentice-Hall Of India, 1990 Pp. 164-210

Myrkmal, M. (2007). *Leadership and management training*. Tehran: Publication Yastoroon.

Newell, Allen, & Herbert A. Simon; *Human Problem Solving*; New Jersey: Prentice-Hall, 1972, Pp.34-5 ,

Oliveira, A. (2007), "A Discussion Of Rational And Psychological Decision Making Theories And Models: The Search For a Cultural– Ethical Decision Making Model", *Electronic Journal of Business Ethics and Organization Studies*, Vol 12, No 2, pp 12-13.

O'Reilly, Charles A., III; "The Use of Information in Organization Decision Making"; *Research in Organizational Behavior*; Vol. 5, 1983, P. 108 .

Pate, Larry; "Understanding and Diagnosing the Causes of Human Behavior"; in *Management Decision*; 1987, Vol. 25, No. 4 .

Payne, John; James Bettman & Eric Johnson; *The Adaptive Decision Maker*; Cambridge: Cambridge University Press. 1993.

Pearce, II, J., and R. Robinson, Jr. 1985. *Strategic Management*. Homewood, Illinois: Irwin .

Pfeffer, J; *Organizational Design*; Arlington Heights, IL: AHM, 1978.

Pfeffer, P.; "Understanding Power in Organizations"; *California Management Review*, Winter 1992, P. 37.

Pinfield, Lawrence t., "A Field Evaluation of Perspectives on Organizational Decision Making"; *Administrative Science Quarterly*, Vol. 31, 1986, Pp. 365-88 .

Pounds, William F.; "The Process of Problem Finding"; *Sloan Management Review*, 1:2, Fall 1969, Pp. 1-19.

Quinn, J. B. *Strategies for Change: Logical Incrementalism*; New York: Irwin, 1980, p. 134. --; "Economic Focus: Mind Games"; *Economist*; Jan. 15, 2005; P. 75 .

Rajagopalan, Nandini, Abdul Rasheed, and Deepak Datta; "Strategic Decision Process: Critical Review and Future Decisions"; *Journal of Management*; No. 19 (1993). PP. 349-84 .

Render, Barry & Ralph Stair, Jr.; *Introduction to Management Science*; Boston: Allyn and Bacon, 1992, Pp. 596-7 .

Rezazadeh, Samaneh (2010). "The relationship between intelligence and moral decision-making styles of public managers, Ferdowsi University of Mashhad University of Medical Sciences in 1389." MS Thesis. Ferdowsi University of Mashhad. School of Psychology and Educational Sciences.

Richmond, S. M., B. L. Bissel, & L. R. Beach. "Image Theory's Compatibility Test and Evaluations of the Status Quo", *Organizational Behavior*